

آزار زندانیان بیمار با خودداری ظالمانه و عامدانه از ارائه درمان‌های پزشکی

۲۱ شهریور

طی روزهای اخیر عکسی از صورت پانسمن شده علیرضا رجایی، روزنامه‌نگار و زندانی عقیدتی سابق که در طی چهار سال حبس در زندان از دسترسی به خدمات پزشکی کافی محروم شده بود، در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان به شکل گسترده‌ای پخش شده و موج عظیمی از همدردی و خشم را در میان ایرانیان برانگیخته است.

چندی پیش، علیرضا رجایی تحت عمل جراحی قرار گرفت تا برای جلوگیری از گسترش سرطان سینوس، چشم راست و بخشی از فک بالا و گونه‌اش برداشته شود. خانواده او گفته‌اند که با وجود شکایات مکرر او از درد و فشار در طی سال‌هایی که در زندان اوین در تهران نگهداری می‌شد، مقامات زندان از دسترسی او به خدمات پزشکی تخصصی در خارج از زندان که می‌توانست مانع گسترش سرطان شود ممانعت به عمل آوردند. او در ۱۳۹۴ پس از پایان دوران محکومیت زندان خود آزاد شد.

این تصویر دردناک و فراموش‌نشدنی که او را در حالتی شکننده و با پانسمنی که نیمی از صورتش را پوشانده بر روی تخت بیمارستان نشان می‌دهد، ظالمانه بودن نظام قضایی ایران را در خود خلاصه می‌سازد و در عین حال نحوه برخورد سنگدلانه با زندانیان سیاسی در زندان‌های کشور را بار دیگر در کانون توجه قرار داده است.

متأسفانه داستان علیرضا رجایی موردی رایج در ایران است و مقامات دائماً سلامت و جان زندانیان را با بی‌توجهی به نیازهای پزشکی آنان بازیچه دست خود قرار می‌دهند. افرادی که به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز زندانی شده‌اند به طور مشخص هدف این گونه بدرفتاری‌ها قرار می‌گیرند.

در مورد مشابهی در فروردین ۱۳۹۵، امید کوبی، فیزیک‌دان ۳۳ ساله‌ای که به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، مجبور شد که تحت عمل جراحی قرار گیرد تا کلیه سمت راستش که به دلیل سرطان به نحو بدی آسیب دیده بود برداشته شود.

او به مدت پنج سال از مشکلات کلیوی شکایت داشت، اما مقامات به طور مکرر از ارائه خدمات درمانی در خارج از زندان خودداری ورزیدند و تقاضاهای او را برای مرخصی درمانی رد کردند.

عفو بین الملل در تیر ماه ۱۳۹۵ [گزارشی](#) منتشر کرد که نشان داد مقامات زندان در ایران علاوه بر به تأخیر انداختن یا ممانعت از ارائه خدمات تخصصی پزشکی ضروری برای زندانیان سیاسی بیمار، به طور معمول مشکلات پزشکی آنان را کم اهمیت جلوه داده یا

جدی بودن این مشکلات را رد کرده‌اند و برای بیماری‌های جدی تنها مسکن‌های ساده تجویز کرده و درمان‌های اساسی را از زندانیان دریغ داشته‌اند.

زندانیان ایران به خاطر شرایط ناگوارشان بدنام هستند. زندانیان معمولاً در اتاق‌های پرزدحام، غیربهداشتی و با تهویه ناکافی نگهداری می‌شوند. این موضوع، همراه با عدم اجازه دسترسی به مراقبت‌های پزشکی کافی، اغلب مشکلات پزشکی از پیش موجود زندانیان را بدتر می‌کند و یا موجب ایجاد مشکلات جدید می‌شود و به سلامت آنان آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌آورد.

به تازگی، [گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از زندان رجایی شهر کرج](#) بیرون آمده که در آنجا مقامات به زندانیان عقیدتی و سیاسی که از ۸ مرداد در اعتراض به وضعیت غیرانسانی نگهداری‌شان دست به اعتصاب غذا زده‌اند، اجازه دسترسی به مراقبت‌های پزشکی کافی نداده‌اند. گزارش‌ها حاکی از این است که آنان در قسمتی از زندان نگهداری می‌شوند که در آن پنجره‌ها با صفحات فلزی پوشانده شده و سیستم تهویه هوا وجود ندارد. آنان وادار به خوابیدن بر روی زمین شده‌اند، در حالی که مقامات به محروم ساختن آنان از دسترسی به غذای مناسب، آب آشامیدنی سالم و برقراری تماس تلفنی با خانواده‌هایشان ادامه می‌دهند.

چندین نفر از این زندانیان از بدتر شدن وضع سلامت‌شان رنج برده‌اند و برخی طی روزهای اخیر از حال رفته‌اند و یا برای مدتی بیهوش شده‌اند.

به نقل از اعضای خانواده‌های زندانیان تحت اعتصاب غذا، رئیس زندان به پزشکان زندان دستور داده است تا هیچ‌گونه مراقبت و رسیدگی پزشکی را به کسانی که در اعتصاب شرکت دارند ارائه ندهند.

برخی از زندانیان اعتصاب غذا کننده به تلافی اعتراض مسالمت‌جویانه خود برای چندین روز به سلول‌های انفرادی منتقل شدند و ۱۱ نفر از آنان به تازگی مورد چندین اتهام جدید از جمله «توهین به مقام رهبری» قرار گرفته‌اند و ممکن است با احکام حبس اضافی مواجه شوند.

در شماری از موارد، خودداری از ارائه خدمات پزشکی توسط مقامات به عنوان مجازاتی عامدانه برای اعمال درد و رنج شدید بر زندانی و یا به منظور اخذ «اعترافات» اجباری مورد استفاده قرار گرفته است. تحت قوانین بین‌المللی این رفتار معادل شکنجه است و افراد مسؤول باید مورد محاکمه و مجازات کیفری قرار گیرند.

زینب جلالیان، زندانی سیاسی کرد ۳۵ ساله که در حال تحمل حبس ابد در زندان خوی در استان آذربایجان غربی است از سال ۱۳۹۳ به دلیل یک عارضه شدید چشمی که بنا به اخطار پزشکان دید او را معیوب می‌کند نیاز به درمان جراحی داشته است. اما مقامات مصرانه از اجرای توصیه پزشکی و انتقال او به بیمارستان به منظور عمل جراحی خودداری ورزیده‌اند. طی دو سال گذشته،

آزمایشات تشخیصی و درمان کافی برای مشکلات قلبی رودهای و کلیوی و برفک دهانی که توانایی او در خوردن و بلع را با دشواری روبه‌رو ساخته‌است، نیز از او دریغ شده است.

آرش صادقی، ۳۰ ساله که در حال تحمل یک حکم ۱۹ ساله زندان به دلیل فعالیت‌های کاملاً مسالمت‌آمیزانه حقوق‌بشریاش است، دیگر زندانی به شدت بیماری است که با محروم شدن از دریافت مراقبت‌های پزشکی مناسب مورد شکنجه قرار گرفته است. پزشکان توصیه کرده‌اند که او به منظور درمان تخصصی گرفتاری‌های گوارشی و مشکلات تنفسی که به خاطر اعتصاب غذای طولانی ایجاد و با فقدان مراقبت‌های پزشکی کافی وخیم‌تر شده، نیاز به بستری شدن طولانی مدت در بیمارستان دارد.

این حکایت‌های دلخراش از رفتارهای بیرحمانه در پشت درهای بسته زندان‌ها در ایران، توجه جهانی کافی را به خود جلب نکرده است. مقامات ایران هم شدیداً تلاش کرده‌اند که با اقدامات مختلف دقیقاً خلاف گزارش‌های منفی در مورد وضعیت زندان‌های کشور را نشان دهند.

در اردیبهشت ۱۳۹۵، آنان یک [برنامه تلویزیونی](#) پخش کردند که تلاش داشت گزارش‌ها در مورد عدم اجازه دسترسی زینب جلالیان به مراقبت پزشکی را بی‌اعتبار سازد. این برنامه زینب جلالیان را در حالی نشان می‌داد که می‌گفت گزارش‌ها در مورد بیماری او و از دست دادن بینایی‌اش صحت ندارد و مشکلات پزشکی او جزئی بوده‌اند. در پی پخش این برنامه خواهر زینب جلالیان به عفو بین‌الملل گفت که او را وادار به بیان این اظهارات کرده بودند.

در تیر ۱۳۹۶، در یک [اقدام نمایشی و خامدستانه](#) دیگر، مقامات بازدیدی را از زندان بدنام اوین در تهران برای دیپلمات‌های سیاسی بیش از ۴۰ کشور ترتیب دادند.

قدرت‌های جهانی از جمله اتحادیه اروپا که از زمان امضای توافق هسته‌ای در ۱۳۹۵ گام‌هایی را برای تحکیم روابطشان با ایران برداشته‌اند نقش مهمی در تضمین این که به این برخوردهای بیرحمانه همین حالا خاتمه داده شود برعهده دارند. آنان باید به طور علنی مقامات ایران را به تضمین این که همه زندانیان به مراقبت‌های پزشکی مناسب دسترسی پیدا کنند، فرا بخوانند.

آنان همچنین باید خواستار این شوند که مقامات ایران به بازرسان بین‌المللی از جمله گزارش‌گر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران اجازه سفر به کشور اعطا کنند تا آنان بتوانند بازرسی‌های خود را از تمام زندان‌های کشور انجام دهند.

در غیاب هر گونه نشانه‌ای حاکی از قصد مقامات جمهوری اسلامی ایران برای تغییر رفتار خود، این بر عهده بقیه ماست تا اطمینان حاصل نماییم که درد و رنجی که زندانیان به طور روزمره از سوی نظام ظالم حاکم بر زندان‌های کشور متحمل می‌شوند فراموش نمی‌شود